

دلالت‌های تربیتی زیارت عاشورا

سیدنقی موسوی

۱. طرح مساله

جریان «تربیت سکولار» و «تربیت لیبرال» در یک «توافق استراتژیک» و نانوشته دست‌به‌دست هم داده و تلاش می‌نمایند بر اساس مبانی فلسفی خود حضور دین و نمادهای مذهبی را در تعلیم و تربیت کاهش دهند. این تلاش در دهه‌های اخیر در کشورهای اروپایی و آمریکایی شدت گرفته است و تا آنجا که به حذف کامل دین و مناسک دینی در محتوا و برنامه‌های مدارس انجامیده است.

داوری در مورد روایی یا ناروایی «سکولاریزم تربیتی» و تلاش برای حذف دین از مدارس و تربیت رسمی در جوامع مدرن که مدرنیته را در جایگاه «یک فراروایت»^۱ و «یک دین زمینی» نشانده است، در نوشتار حاضر نمی‌گنجد؛ چراکه باید به بسترهای فکری و فرهنگی و اقتضائات اجتماعی طرح «آموزش و پرورش سکولار» و نسبت آن با «تربیت دینی» توجه نمود و اهداف و کارکردهای این «پروژه» را بررسی نمود.

از نسبت و تقابل «تربیت سکولار» و «تربیت دینی» در غرب مدرن که بگذریم، اندیشه کاهش مضامین و مناسک دینی از «تربیت دینی رسمی» در ایران اسلامی نیز کمابیش در لفافه مطرح می‌شود.

پس از انقلاب اسلامی در ایران حضور فرهنگ عاشورا و مناسک و آداب مربوط به آن (مانند سینه‌زنی، قرائت زیارت عاشورا، دسته‌روی، نمادها و المانهای مربوط مانند پرچم‌ها، پیراهن مشکی و) در «تعلیم و تربیت رسمی» شدت گرفت و با توجه به رویکرد جمهوری اسلامی در دفاع و ترویج «فرهنگ حسینی» این مناسک به صورت رسمی در مدارس انجام می‌شود.

اخیراً با توسعه فضای مجازی و گسترش «شبکه‌های اجتماعی» به مناسبت‌های مختلف این اندیشه ترویج می‌شود که مدرسه جای آموزش نظامی و ترویج مفاهیمی مانند جهاد و شهادت نیست و باید عرصه دانش و دانش‌آموزی را از

^۱. به تعبیر پُست مدرن‌ها

^۲. رک: تبیین و ارزیابی آموزش مقایسه‌ای در تربیت دینی؛ سیدنقی موسوی، دوفصلنامه مطالعات فقه تربیتی، شماره ۶ سال ۱۳۹۵.

این مقولات جدا نمود و به تناسب برخی پدیده‌های اجتماعی مانند اردوهای راهیان نور (با هدف آشنایی دانش‌آموزان با «فرهنگ شهادت و ایثار» و «دفاع مشروع»)، تشییع شهدای دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم، دفن شهدای گمنام در مراکز علمی و دانشگاهی و یا دانش‌آموزی، آموزش نظامی در برنامه‌های مدارس، گنجاندن مفاهیمی مانند مقاومت، ایثار و شهادت در کتب درسی و مانند آن، این اندیشه در «پست‌های تلگرامی و اینستاگرامی» با انواع تکنیک‌های رسانه‌ای و جذابیت‌های بصری به خواننده القاء می‌شود. بنیاد این اندیشه همان سخنانی است که در سالها قبل گفته می‌شد مبنی بر اینکه دین و عناصر آن مانند عزاداری سیدالشهدا و فرهنگ شهادت، خشونت‌آفرین و هیئات مذهبی و بسیجیان منشاء خشونت‌اند.^۳

نوشتار حاضر بدون آنکه بخواهد به گردآوری و مستندسازی دیدگاه «تربیت سکولار» پردازد و یا بخواهد از دیدگاه حذف‌المانهای عاشورایی در آموزش و پرورش، صورت‌بندی جدیدی ارائه نماید، درصدد است «فرهنگ عاشورا» و به شکل خاص متن زیارت عاشورا را از منظر «آموزه‌های تربیتی» تحلیل نماید تا میزان تناسب این زیارت را با فضاهای تربیتی بررسی نماید. نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد «فرهنگ عاشورا» را به مثابه یک کلان‌نظریه و زیارت عاشورا را به عنوان یک «برنامه درسی» و «برنامه آموزشی» تلقی نموده و از منظر «فلسفه تعلیم و تربیت» و «فلسفه برنامه درسی» (و یا «ایدئولوژی‌های برنامه درسی»^۴) نگاهی به متن این زیارت بیافکند و از دلالت‌های تربیتی آن سخن به میان آورد و میزان کارآمدی تربیتی زیارت عاشورا (به مثابه روش تربیتی) برای وصول به «اهداف تربیتی» را تبیین نماید.

در ابتدا ذکر چند نکته لازم است:

^۳. فرهنگ شهادت، خشونت‌آفرین است؛ اگر کشته شدن آسان شد، کشتن هم آسان می‌شود. روایت هم داریم «من هانت علیه نفسه فلا تامن شره» (عبدالکریم سروش، روزنامه نشاط، ۱۲/۳/۷۸ ص ۲)؛ هیئت‌های مذهبی منشا خشونت‌اند و بسیجی‌ها، اعضای تشکیل‌دهنده این هسته‌ها می‌باشند (محمد قوجانی، روزنامه عصر آزادگان، ۲۰/۱/۷۹ ص ۳). به استفاده ابزاری و مغالطه‌آمیز آقای سروش از روایت «من هانت علیه نفسه فلا تامن شره» (کسی که خود را کوچک می‌شمارد و به آن اهانت می‌کند، از شر او ایمن مباش!) خوب دقت نمایید! طبق این سخن، «شهادت‌طلبی» و «فدا کردن جان برای اهداف انسانی و الهی»، «اهانت به نفس» و «خودکم‌بینی» است! با این استدلال، حسین بن علی (علیهما السلام) نیز فردی خودکم‌بین بوده که شر آن به لشکر یزید هم رسیده و موجب خشونت شده است!

^۴. ر.ک: جی. بی. میلر، نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی، تهران: سمت، ۱۳۹۳.

نکته اول اینکه هر چند در باب سند زیارت عاشورا تشکیک‌هایی مطرح شده است؛ اما نوشتار حاضر این زیارت را دارای سند مورد قبول می‌داند.^۵

نکته دوم آنکه زیارت عاشورا به مثابه «محتوای تربیت» و «ماده درسی» در مدرسه عاشورا (و مجالس ذکر و عزا) است که مبتنی بر یک فلسفه و پشتوانه نظری است و خواننده خود را در فرازهای مختلف از دل تاریخ عبور می‌دهد و آموزه‌ها و ارزشهای عاشورایی را به وی آموزش می‌دهد و عواطف و گرایشهای وی را با خود همراه می‌کند. در زیارتهای، زائر خود را در مقابل الگو و اسوه خود می‌بیند و آداب حضور را تمرین می‌کند و اعمال و افکار خود را به محک امام خود می‌سنجد و تلاش می‌کند در این «حضور» به تزکیه و پالایش درون و برون خود پردازد. به عبارت دیگر، زیارت در «فلسفه تربیتی شیعه»، یک «روش تربیتی» است که معمولاً با «محتوای تربیت» و «متن درسی» همراه است و از سنخ «تجربه معنوی» است.

نکته سوم اینکه «زیارت عاشورا» در طول قرون میان شیعیان سینه به سینه در محافل ذکر شده و تکرار آن به لحاظ تربیتی بر مخاطبان و شرکت‌کنندگان در جلسات موثر است و در روند طبیعی خود، «انتقال فرهنگ» و «درونی‌سازی ارزش‌ها» صورت می‌گیرد.

در ادامه تلاش می‌شود به اختصار دلالت‌های تربیتی «زیارت عاشورا» تبیین شود.

۲. تربیت سیاسی

یکی از ساحت‌های تربیتی، تربیت سیاسی است. هدف تربیت سیاسی عبارت است از پرورش فضائل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی. این اهداف از این جهت بر سایر اهداف تعلیم و تربیت عمومی در یک جامعه دموکراتیک تفوق دارد؛ زیرا اشخاص را برای مشارکت آگاهانه در بازسازی جامعه خود آماده می‌کند.^۶

^۵. برای مثال ر.ک: دفاع از زیارت عاشورا، محمد مهدی آصفی، فصلنامه علوم حدیث، سال چهاردهم، شماره ۳؛ پژوهشی در اسناد و نسخه‌های

زیارت عاشورا، محمدجعفر رضایی، فصلنامه علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره ۳ و ۴.

^۶. جان الیاس، فلسفه تعلیم و تربیت قدیم و معاصر، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰.

صرف نظر از اینکه اصل قیام عاشورا خود یک کنش سیاسی بوده و «کنش موثر و سنجیده سیاسی» اولین پیام آن به متریبان و مخاطبان است، متن زیارت عاشورا نیز متضمن دلالت‌هایی در تربیت سیاسی است که به مواردی اشاره می‌شود.

۱- زمزمه کننده زیارت عاشورا در این تجربه معنوی و لابلای شور و هیجان و دل‌باختگی، «تحلیل عمیق سیاسی» و «مواجهه ریشه‌ای با کنش‌های سیاسی» را تمرین می‌کند تا بتواند به کشف و ره‌گیری بنیادهای جریانات سیاسی برسد و از نگاه «تاریخ توصیفی» به رویکرد «تاریخ تحلیلی» دست یابد. آنجا که در فرازی از این زیارت، لعن خود را به مُسبِّان اصلی و بنیان‌گذاران این ظلم متوجه می‌نماید و می‌خواند: «فلعن الله امه اسست اساس الظلم و الجور» و یا در فرازی دیگر مُوسَّسان و انحرافات بنیادین اصلی را هدف قرار می‌دهد («بموالاتک و بالبرائه ممن اسس اساس ذالک و بنی علیه بنیانه») و نیز در عباراتی دیگر «اولین ظالم به محمد و آل محمد» را به محک قضاوت تاریخ می‌نهد (اللهم اللعن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذالک- اللهم خصص انت اول ظالم بالعن منی و ابدأ به اولاً ثم الثانی و الثالث و الرابع ...)

۲- زائر در مسیر خوانش متفکرانه زیارت عاشورا، پیروان جریانات سیاسی ظالم را نیز در تحلیل خود جای می‌دهد و می‌آموزد که تحولات سیاسی را باید زنجیره‌ای از کنش‌های رهبران و پیروان بداند (برئت الی الله و الیکم منهم و من اشیاعهم و اتباعهم - و آخر تابع له علی ذالک).

۳- «آموزش نگاه فرایندی» و طولی به تحولات سیاسی از دیگر دستاوردهای مدرسه زیارت عاشورا است؛ آنجا که مُباشران، مُسبِّان و تمهیدکنندگان قتل حسین (علیه السلام) را در کنار «ساکتان فتنه» عاشورا همگی یک نگاه تحلیل می‌نماید (و لعن الله الممهدين لهم بالتمکين من قتالکم- لعن الله امه اسرجت و الجمت و تنقبت لقتالک).

۴. برخی با این استدلال که دیگر دولت امویان وجود ندارند پس عاشورا دیگر کاربرد ندارد، سالیانی دراز در مطبوعات جمهوری اسلامی به آن تاختند؛^۷ در صورتی که دانش آموز مدرسه «زیارت عاشورا»، در این

^۷ در این زمان که نه از دولت امویان خبری است و نه از دشمنان و کشتن‌گان بالفعل و نه اعقاب و نسل‌های بعد از آن، هیچ کدام در صحنه وجود نیستند هنوز هم از داستان حسین استفاده کردن و عنصر انتقام و عنصر کینه توزی و عنصر خشونت و خونریزی را زنده نگاه داشتن و از طریق تحریک عواطف دشمنان عینی و غیر عینی، موهوم و غیر موهوم تراشیدن و این حادثه را خرج آن امور کردن، شایسته نیست (روزنامه نشاط

مکتب می‌آموزد که با «کنش سیاسی سنجیده و عقلانی» در برابر «ظلم زمانه» بایستد و ایثارگری نماید و از ظلم به «شیعیان» حتی در قرون بعدی و در قرن اخیر برائت بجوید. آنجا که چنین نوا سر می‌دهد: «بالبرائة... و جری فی ظلمه و جوره علیکم و علی اشیاعکم». سالک طریق عاشورا، در شمر و یزید ۱۴۰۰ سال پیش نمی‌ماند و به دنبال تشخیص و مصداق‌یابی شمر و یزید معاصر خود است!

۵. زیارت عاشورا به مثابه یک «برنامه آموزشی و درسی» را نباید به «گذشته‌گرایی» متهم نمود (همانطور که برخی قلم‌ها چنین کرده‌اند)؛ «زیارت عاشورا» مبتنی بر اندیشه «آینده‌نگرانه» و «آینده‌شناسانه» است! همان اندیشه‌ای که «آینده را ساختنی می‌داند تا آمدنی!»، آنجا که پیوند فرهنگ عاشورا و فرهنگ انتظار سازنده و تلفیق تربیت حسینی و تربیت مهدوی و ادامه جبهه‌بندی حق و باطل را چنین زمزمه می‌کنیم: «فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد» و یا «و ان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم» و یا «فاسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد».

۶. خواننده این زیارت، می‌آموزد که جبهه‌بندی‌های سیاسی بجای آنکه بر مبنای «اصالت سود» و «اصالت لذت» و یا «ماده‌گرایی» و «قدرت‌مداری» باشد، باید بر مدار ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و منطق ثقلین (قرآن و عترت)، همه کنش‌های سیاسی خود و جریان تابع خود -از جمله صلح و جنگ- را تنظیم نماید (انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم).

۳. تربیت اجتماعی

جامعه‌پذیری^۸ و اجتماعی شدن متربی از اهدافی است که در «تربیت اجتماعی» دنبال می‌شود و تئوری‌های «یادگیری اجتماعی» مبتنی بر تاثیر محیط اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار متربی، تلاش دارند تا کنش‌های اجتماعی دانش‌آموزان را به سوی اهداف تربیتی سوق دهند.

^۸ . Socialization

در نگاه اسلامی تربیت اجتماعی عبارت است از فرایند شکوفاسازی میل فطری آدمیان به زندگی جمعی و دیگر گرایی و پرورش آنان برای سازگاری، همگرایی، برادری، عدالت‌ورزی، احسان و مواسات به منظور دستیابی به حیات طیبه و تشکیل امت واحد اسلامی.^۹

یکی از کارکردهای تربیتی مجالس ذکر و زیارت عاشورا، «یادگیری اجتماعی» است و کودکان در این مجالس، «اجتماعی شدن» را تمرین می‌کنند و در قالب‌های مختلف نقش‌های اجتماعی را می‌پذیرند و «جمع گرایی» و «کار گروهی» را مهارت آموزی می‌کنند.

متن زیارت عاشورا متضمن چند دلالت در ساحت تربیت اجتماعی است:

۱. خواننده در زیارت عاشورا از نگاه فردی و فردگرایانه به نظرگاهی جمعی می‌رسد و نگاه کلان به جامعه اسلامی و «اهل الاسلام» به مثابه یک کُل خواهد داشت. آنجا که دانش آموز مدرسه عاشورا زمزمه می‌کند «لقد عظمت الرزیه و جلّت و عظمت المصیبه بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام»، دیگر از محدوده جغرافیایی محله، شهر و کشور خود خارج شده و نگاهی کلان و همه‌نگر پیدا کرده است. دیگر تنها مصیبت خود و خانواده‌اش محزونش نمی‌کند؛ بلکه «غم امت و اهل الاسلام» نیز بر روی دوش غمش سنگینی می‌کند. این است تفاوت پارادایمیک «تربیت اسلامی» با عنصر «فرد گرایی» در «تربیت لیبرال».

۲. با تسامح می‌توان گفت مهمترین هدف تربیت اجتماعی در «تربیت مدرن» عبارت بود از جامعه‌پذیر کردن متربیان و پرورش شهروندان مطیع! پس از انتقادات پُست‌مدرن‌ها، تربیت انتقادی و پرورش کنشگری انتقادی نیز در دایره اهداف تربیت جای گرفت. کنش اجتماعی امام حسین (علیه السلام) که در زیارت عاشورا منعکس است نوعی کنش انتقادی مبتنی بر حق‌مداری بوده که دانش آموز مدرسه عاشورا را «منتقد حق‌مدار و مُصلح» بار خواهد آورد.

۳. خواننده زیارت عاشورا پس خارج شدن از لاک «فرد گرایی» درمی‌یابد که نمی‌توان از «عمل جمعی» و «کنش گروهی» در عرصه ۳۶۰ درجه اجتماع، غفلت نمود. در زیارت عاشورا سخن از تقابل دو امت و دو

۹. جمعی از نویسندگان، در آمدی بر نظامنامه تربیتی المصطفی، قم: نشر المصطفی، چاپ اول، ۱۳۹۶، ص ۵۳۹.

جبهه ظالم و مظلوم است. (فلعن الله امه اسست اساس الظلم و الجور- لعن الله امه اسرجت و الجمت- اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شايعت و بايعت و تابعت على قتله)

۴. «تربیت اجتماعی» بر «تربیت خانوادگی» مبتنی است و کنش‌های اجتماعی محصول «یادگیری اجتماعی» در خانواده و اجتماع هستند. زیارت عاشورا از تقابل دو نظام ارزشی در دو خانواده سخن می‌گوید و آثار تربیتی و ضدتربیتی خانواده‌ها را در موضع‌گیری‌ها گوشزد می‌نماید (لعن الله آل زیاد و آل مروان و لعن الله بنی امیه قاطبه و لعن الله بن مرجانه - وهذا يوم فرحت به آل زیاد و آل مروان بقتلهم الحسين).

۴. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی^{۱۰} یکی از ساحت‌های تربیتی است که وظیفه انتقال ارزشهای اخلاقی را از نسلی به نسلی دیگر بر عهده دارد و از آنجا که غرب مدرن پس از کانت - که نتوانست خدا را با «عقل محض»^{۱۱} اثبات نماید و به وجدان روی آورد- به دامن اخلاق و معنویت (بجای دین) پناه آورد، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه تربیت اخلاقی و تربیت معنوی^{۱۲} انجام داده است.

برخی از دلالت‌های زیارت عاشورا در ساحت تربیت اخلاقی به شرح زیر است:

۱. کارویژه «تربیت اخلاقی» در نظامات تعلیم و تربیت، تنها آموزش اخلاقیات و یا درونی‌سازی ارزشهای «اخلاق فردی» نیست! بلکه آموزش «اخلاق اجتماعی» نیز باید مدنظر باشد. هرچند برخی از روشنفکران دینی، اقبال به «اخلاق اجتماعی» را ارمغان مدرنیته و نکته مغفول «جهان سنت» می‌خوانند؛ اما فارغ از این جهت-گیری‌ها، زائر زیارت عاشورا، با داوری اخلاقی در مورد پایداری کردن حقوق اجتماعی دیگران و ظلم و ستم به دیگران و لزوم ظلم‌ستیزی در جایجای زیارت عاشورا آشنا می‌شود و آن را در خود درونی می‌نماید (فلعن الله امه اسست اساس الظلم و الجور).

۲. فلاسفه اخلاق در باب «گستره عمل انسان» و «عمل فردی و جمعی» آرایبی دارند. دانش‌آموخته زیارت عاشورا می‌آموزد که تمهید و تمکین در برابر ستم نیز در قضاوت‌های اخلاقی مذموم و قبیح است (و لعن الله

^{۱۰}. Moral Education

^{۱۱}. اشاره به نام کتاب ایمانوئل کانت به نام «نقد عقل محض».

^{۱۲}. Spiritual Education

الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم) و دامنه عمل انسان محدود به «عمل انفرادی» نیست و «انعکاس جمعی» آن نیز در «ترازوی اخلاق» قرار می‌گیرد (فلعن الله امه اسست اساس الظلم و الجور- لعن الله امه اسرجت و الجمث- اللهم العن العصابه التي جاهدت الحسين و شایعت و بايعت و تابعت علی قتله).

۳. ثبات و تغییر ارزش‌های اخلاقی از دیگر مباحث فلسفه اخلاق است. آیا ارزشهای اخلاقی، زمان‌مند هستند؟ در کلاس تربیت اخلاقی این زیارت، خواننده غیرزمان‌مند بودن برخی از ارزشهای اخلاقی (مانند ظلم و قتل) را می‌آموزد و اینکه ناقضان این ارزشهای اخلاقی به صورت «ابد الابدین» مورد سرزنش هستند (اللهم العن اباسفیان و معاویه و یزید بن معاویه علیهم منک اللعنه ابد الابدین).

۴. از مهم‌ترین وظایف مربی اخلاق در فرایند تربیت اخلاقی، ایجاد تعادل میان کشش‌ها و گرایش‌های متربی و یا تعدیل و تصعید آنان است. توکی به معنای گرایش و محبت به جبهه خیر و نیکی و تبری به معنای دوری عاطفی و رفتاری از جبهه شرّ و بدی در جایجای زیارت عاشورا به خواننده آن آموزش داده می‌شود تا بر سامانه توحید و ولایت عواطف و رفتارهای خود را تنظیم نماید (یا ابا عبدالله انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی امیر المومنین و الی فاطمه و الی الحسن و الیک بموالاتک و بالبرائه ممن اسس اساس ذالک و بنی علیه بنیانه- انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم- اللهم انی اتقرب الیکم فی هذا الیوم و فی موقفی هذا و ایام حیوتی بالبرائه منهم و اللعنه علیهم و بالموالات لنبیک و آل نبیک).

۵. صداقت و راستی آنهم صداقت در عمل از مهمترین منازل اخلاق و «صعود اخلاقی» است. خواننده زیارت عاشورا «قدم صدق» را از خداوند طلب می‌کند و به مثابه یک هنجار اخلاقی در زندگی خود پی می‌گیرد و این مآل اخلاقی را نصب العین اعمال خود قرار می‌دهد (و ان یثبت لی عندکم قدم صدق فی الدنیا و الآخره- و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین).

۶. زائر این زیارت در یک فراز، تحمل مصائب (صبر فعال نه منفعل) را تمرین می‌کند (ان یعطینی بمصابی بکم افضل ما یعطی مصابا بمصیبه مصیبه ما اعظمها و اعظم رزیتها فی الاسلام) و در فرازی دیگر شکر در مصیبت را به مثابه منزلی از «منازل السائرین»^{۱۳} کارورزی می‌نماید (اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک علی مصابهم الحمد لله علی عظیم رزیتی).

^{۱۳}. اشاره به نام کتاب خواجه عبدالله انصاری که شامل صد منزل در سیر و سلوک است.

۷. زیارت عاشورا اهداف متعددی را برای فرایند تربیت اخلاقی و دینی در قالب دعا به خوانندگان خود معرفی می‌کند. آنجا که برای «کسب آبرو نزد امام علیه السلام» دعا می‌کنیم (اللهم اجعلنی عندک وجیها بالحسین علیه السلام فی الدنيا و الاخره) و یا در طلب «مقام محمود» دست به دعا برمی‌داریم (و اسئله ان یبلغنی مقام المحمود لکم عند الله) و یا «طلب شفاعت» می‌کنیم (اللهم ارزقنی شفاعه الحسین یوم الورد).

۸. طلب آبرو یا مقام محمود یا شفاعت، خود مقتضی نوعی سبک زندگی حسینی و الهی است. زیارت عاشورا با صراحت از «سبک زندگی محمدی» سخن می‌گوید که متربی را به سمت الگوپذیری از این الگو فرامی‌خواند (اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و ممتی ممت محمد و آل محمد). سبکی از زندگی که به صورت متوازن، عقل / عشق، دنیا / آخرت و عقلانیت / معنویت را به نمایش می‌نهد.

۵. برای پایان

گفته شد که هدف نوشتار حاضر نگرشی از سنخ «فلسفه تعلیم و تربیت» به زیارت عاشورا است، تا «دلالت‌های تربیتی» آن و کارآمدی زیارت عاشورا به مثابه «روش تربیتی» برای وصول به «اهداف تربیتی» را تبیین نماید.

شماری از دلالت‌های تربیتی این زیارت در سه ساحت «تربیت سیاسی»، «تربیت اجتماعی» و «تربیت اخلاقی» مورد بازخوانی قرار گرفت مجموعه‌ای از اهداف و اصول و روشهای تربیتی در ساحات مذکور از متن زیارت عاشورا مبتنی بر روش‌شناسی استنباطی (در دایره مدالیل لفظی و لّبی) استنتاج شد.

در پایان ذکر چند نکته لازم است:

نکته ۱: برخلاف آنچه توسط برخی القاء می‌شود که زیارت عاشورا «تعصب کور و خشونت» را ترویج می‌کند؛ باید گفت که زیارت عاشورا عقلانیت در تحلیل تاریخ و نگاه نافذ و بصیر در یافتن شمر زمان و حسین معاصر را ترویج می‌کند! مغالطه تقابل «شهادت و عقلانیت» همان نزاع «عقل و عشق» معهود در فلسفه و عرفان است که در مکتب حسینی رنگ باخته و «عقل سرخ» و «شهادت طلبی عقلانی»^{۱۴} را تولید کرده است.

^{۱۴}. البته نه عقلانیت مدرن که بر «عقل ابزاری» متکی است.

نکته ۲: متن زیارت عاشورا، زیر چتر اسناد بالادستی «تربیت اسلامی» یعنی قرآن و سنت قرار دارد و از آنجا که معصومان (علیهم السلام) «نور واحد» و «انسان ۲۵۰ ساله» هستند^{۱۵} برای استخراج «نظام تربیت اسلام» باید به دیگر متون صادره از دیگر معصومان (علیهم السلام) نیز نظر داشت.

نکته ۳: «تربیت اسلامی» ساحت‌های دیگری چون تربیت زیبایی‌شناختی، تربیت عقلانی، تربیت اعتقادی، تربیت عبادی، تربیت بدنی، تربیت اقتصادی، تربیت حرفه‌ای و ... نیز دارد و لازم نیست همه این آموزه‌ها از متن زیارت عاشورا دریافت شود. به عبارت دیگر، در مقام تبیین همه ابعاد و ساحت‌های تربیتی و تشریح مبانی، اهداف، اصول و روشهای تربیت اسلامی باید نگاهی مجموعی و نظام‌وار به تربیت اسلامی داشت.^{۱۶}

نکته ۴: کارآمدی مواد درسی و روشهای تربیت، اقتضایی است و تراز تحولی متریبان و دیگر عوامل وابسته است. بسته به مقتضیات زمان و مکان، ممکن است بسامدی از «کارآمدی» و «اثربخشی» را در مراسم قرائت زیارت عاشورا در مدارس و محافل مختلف، شاهد باشیم و نباید از یاد برد که انعطاف در روش برای وصول به اهداف یکی از «اصول تربیت اسلامی» است.

نکته ۵: البته جریان «تربیت حسینی» همیشه دچار آسیب‌هایی بوده که باید معالجه نمود و نباید از نگاه انتقادی و آسیب‌شناسانه به جریان اصیل و موثر «تربیت در هیئات مذهبی» غفلت نمود. جریان «تربیت حسینی» باید از «گفتمان عقلانیت و معنویت حسینی» سیراب شود و نباید در غفلت نخبگان حوزوی و دانشگاهی، به ورطه مداح محوری، شورمداری و عرفی‌گرایی فروافتد. «پایش آن‌به‌آن» هیئات مذهبی و برنامه‌های تربیتی آنها، نشانه اهمیت و کارآمدی آن در عصر حاضر است و نباید امتیاز نقد و اصلاح آن - در اثر کوتاهی مدافعان این جریان تربیتی موثر - به معاندان و معارضان آن سپرده شود.

^{۱۵}. «إنَّ أرواحكم و نورکم و طینتکم واحده» (زیارت جامعه کبیره)

^{۱۶}. نکته دوم به جامعیت در «منابع معرفت» نظر دارد و نکته سوم به جامع‌نگری در «ساحت‌های تربیت».